

آفریده‌های الهی مانند این دنیا و همه انسان‌ها، به جهت معلول و مخلوق بودن، همواره با محدودیت‌هایی مواجه هستند و هر جا که محدودیتی باشد، مسئله و تضادی به دنبال خواهد داشت (مصباح، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۵۹). بنابراین، زندگی انسان در این دنیا همراه با مشکل است، اما این بدان معنا نیست که زندگی کردن مشکل است، بلکه بدین معناست که «در زندگی» مشکل وجود دارد و انسان‌های موفق «با زندگی» خود مشکل ندارند، ایشان از زندگی خویش رضایت دارند (پسندیده، ۱۳۹۰، ص ۷). این رضایت را به واسطه مهارت‌هایی کسب کرده، و سعی در تقویت آن دارند. یکی از مهم‌ترین این مهارت‌ها، مهارت حل مسئله است که بالاترین سطح فعالیت‌های شناختی-رفتاری را در بین مهارت‌های زندگی به خود اختصاص داده است. برای حل صحیح مسائل، پیش‌نیازهای زیادی ضروری است. هر چه این پیش‌نیازها، سالم‌تر و بیشتر فراهم باشند، مراتب سالم‌تری از حل مسئله امکان‌پذیر خواهد بود (هپنر و همکاران، ۲۰۰۴؛ کوک و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۶۱).

متیر و سولبرگ، حل مسئله را سطح بالایی از فعالیت شناختی می‌دانند که در موقعیت‌هایی ایجاد می‌شود که فرد پاسخ حاضر یا در دسترس برای آن ندارد (راث و همکاران، ۲۰۱۱). نزو و دیزورریلا (۲۰۱۲)، تحقیقات گسترده‌ای در این موضوع ارائه نموده‌اند. ایشان حل مسئله را فرایندی می‌دانند که فرد یا افراد سعی می‌کنند مشکلات گذرا یا زمانبری را که روزمره با آن مواجه هستند، تعریف کرده و با تولید یا توسعه راه‌حل‌هایی، به طور مؤثر با آنها مقابله کنند (نزو و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۸). به این ترتیب، حل مسئله فرایندی هشیارانه، منطقی، تلاش‌بر و فعالیتی هدفمند است که به منظور بهتر شدن وضعیت در موقعیت‌های پیچیده، تغییر یا کاهش هیجان‌های منفی و یا هر دو نتیجه، طراحی می‌شود (واکلینگ، ۲۰۰۷).

یک «مسئله» یا موقعیت مسئله‌دار، به ناهماهنگی و تفاوت بین پاسخ‌های مفید در دسترس فرد و درخواست انطباق از سوی محیط گفته می‌شود و یا به هر وظیفه یا موقعیت زندگی حاضر، یا مورد انتظار اطلاق می‌شود که نیازمند پاسخی مؤثر برای رسیدن به یک هدف، یا حل تعارض است و فرد اکنون پاسخی حاضر یا در دسترس ندارد (لامانا و استرن، ۲۰۱۲، ص ۷). مسائل به دو دسته مشخص (خوب تعریف شده) و مبهم (سخت تعریف شده) تقسیم می‌شوند. در دسته اول، موانع، اهداف و شیوه حل آنها مشخص است. مانند کاهش هزینه رفت و آمد. برخلاف مسائل دسته دوم، که راه‌حل مشخصی برای پاسخ در دست نیست، یا چندین پاسخ متنوع و متضاد وجود دارد. مانند انتخاب همسر، مواجهه با طلاق یا مشکلات شغلی و مانند اینها (استرنبرگ و دیویدسون، ۲۰۰۳، ص ۵).

ساخت و اعتباریابی آزمون اولیه مهارت حل مسئله بر اساس منابع اسلامی

محمد رضا احمدی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ m.r.Ahmadi313@gmail.com
 رحیم میردریکوندی / استادیار گروه روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ mirderikvandi@qabas.net
 جعفر علی گلی فیروزجائی / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه‌المصطفی ✉ jafaraligoli@gmail.com
 دریافت: ۱۳۹۳/۳/۲۷ - پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۸

چکیده

این پژوهش با هدف ساخت آزمون اولیه مهارت حل مسئله، بر اساس مبانی نظری اسلامی انجام گرفت. همچنین از روش تحلیل محتوا و از روش پیمایشی با انتخاب تصادفی طبقه‌ای، نمونه ۱۰۰ نفری از میان طلاب علوم دینی بهره گرفت. ساختار متغیرهای به دست آمده از منابع اسلامی برای حل مسئله عبارتند از: کنترل هیجان، شناخت و تعریف مسئله، شناسایی اهداف و موانع، تفکر خلاق و مشورت، تصمیم‌گیری، توکل و توسل، ارزیابی فرایند، سبک‌های ناکارآمد عجله‌ای و اجتنابی، اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مسائل و خوش‌بینی یا بدبینی. روایی این ساختار از نظر کارشناسان دین و روان‌شناسی، طبق ساختار لیکرت چهار گزینه‌ای با میانگین کل ۳/۶۲ و واریانس ۰/۲ محاسبه شد. روایی گویه‌ها با میانگین ۳/۵۱ و واریانس ۰/۳۷ به دست آمد. نتیجه همبستگی ۰/۸۸ با معناداری ۰/۰۱ را نشان داد. اعتبار آزمون بواسطه بررسی همسانی درونی پرسش‌نامه، با ضریب آلفای کرونباخ در سطح ۰/۹۶ به دست آمد. دونیمه‌سازی نیز اعتباری در حد ۰/۹۳ و ۰/۹۵ برای دونیمه را نشان داد، که بیانگر اعتبار و روایی مناسب این آزمون است.

کلیدواژه‌ها: حل مسئله، ساختار اسلامی، مهارت، آزمون، روایی و اعتبار.

حل مسئله، غیر از اجرای راه حل است، مفهوم این دو فرایند و همچنین مهارت‌های آنها، متفاوت از یکدیگر هستند. حل مسئله به فرایند کشف راه حل برای یک مسئله خاص اشاره دارد، اما اجرای راه حل به فرایند اجرای راه حل‌ها در موقعیت واقعی برای حل یک مسئله خاص تعریف می‌شود (مایدو و همکاران، ۲۰۰۲). علاوه بر این، با حل مسئله آزمایشگاهی که در علوم پایه به کار برده می‌شود، متفاوت است. حل این نوع مسائل، به منظور یادگیری مواد آموزشی کاربرد دارند، اما در اینجا آموزش مهارت حل مسئله فرایندی فراشناختی است که به چگونگی اندیشیدن و چگونگی پاسخ برای مقابله مؤثر با مسائل زندگی توجه دارد (بیانی و بیانی، ۱۳۸۹).

حل کارآمد مسائل بزرگ و کوچک زندگی، در سطح فردی بر بهزیستی و کاهش استرس مؤثر است (سو و شک، ۲۰۰۵، ۲۰۱۰). فراتحلیل‌ها و تحقیقات نشان داده‌اند که آموزش حل مسئله اثر مثبتی بر، سلامت فیزیکی و روان‌شناختی (مالوف و همکاران، ۲۰۰۵)، انگیزه پیشرفت (کسیدی، ۲۰۰۲)، تنظیم توجه (نشادوست و همکاران، ۱۳۸۰)، کاهش وزن (پری و همکاران، ۲۰۰۱)، مقابله مؤثر با سرطان (آلن و همکاران، ۲۰۰۲؛ می‌ریز و همکاران، ۲۰۱۱)، هوش هیجانی (زارعان و همکاران، ۱۳۸۶) و به صورت کلی، بر سلامت عمومی دارد (محمدی، ۱۳۸۳).

همچنین تحقیقات بسیاری، کارآمدی درمان مبتنی بر حل مسئله را برای دامنه‌ای از اختلالات روان‌شناختی نشان داده‌اند (دیزوریلا و نزو، ۲۰۱۰، ص ۲۳۷). آزمودنی‌های بالینی در این تحقیقات، دامنه گسترده‌ای از اختلالات را نشان داده‌اند، از قبیل شیذوفرنی (لیبرمن و همکاران، ۲۰۰۱؛ گلین و همکاران، ۲۰۰۲)، افسردگی (بل و دیزوریلا، ۲۰۰۹؛ مک‌کلور و همکاران، ۲۰۱۰)، اختلال دوقطبی (حجاری و همکاران، ۱۳۸۵)، اختلالات اضطراب و استرس (دوگاس و همکاران، ۲۰۰۳)، افکار و انجام خودکشی (پری و همکاران، ۲۰۰۳)، اختلال پس‌ضربه (احمدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱)، سوءاستفاده و اعتیاد به مواد (رک: دریر و همکاران، ۲۰۰۵)، اختلالات شخصیت (علیلو و همکاران ۱۳۸۸؛ مک‌موران و همکاران، ۲۰۰۱ و ۲۰۰۸) و سایر مشکلات طبی و روان‌شناختی (نزو و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۴۱).

همچنین در سطح بین‌فردی، تحقیقات نشان داده‌اند که توانمندی افراد در حل مسئله، موجب بهبود در موارد زیر خواهد بود: میزان سازگاری زناشویی (احمدی و همکاران، ۱۳۸۳)، سازگاری اجتماعی (بیکر، ۲۰۰۳)، کفایت اجتماعی (معمدی و همکاران، ۱۳۹۱)، کاهش رفتار مجرمانه (مک‌موران و مک‌گور، ۲۰۰۵؛ نزو و همکاران، ۲۰۰۵ و ۲۰۰۹)، روابط مثبت خانوادگی (شکوهی‌یکتا و پرند، ۱۳۸۷)،

افزایش توان مواجهه با معضلات فردی و اجتماعی (محمودی‌راد، ۱۳۸۱)، روابط اعضا و بهزیستی خانواده (سو و شک، ۲۰۰۵)، افزایش سطح سلامت روان‌شناختی (رسول‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲) و ارتقاء مهارت‌های اجتماعی (خوشکام و همکاران، ۱۳۸۷).

حل یک مسئله یا مشکل، در متون شیعه از دو جهت قابل بررسی است: نخست، مراحلی که توصیه شده تا طبق آن یک مسئله حل گردد. دوم، جهت‌گیری فکری نسبت به مسائل که بر حل آن تأثیر مستقیم دارد. دورنمایی از این مستندات فراوان، در ادامه فهرست می‌شوند. مراحل حل مسئله از این قرار است:

۱. کنترل هیجان، «فرد دیندار می‌اندیشد، به آرامش دست می‌یابد، ... و پایان کار را می‌نگرد، از پشیمانی در امان می‌ماند» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۵۲)؛ «زمانی که مشکلی بر تو رسید، پس بنشین که برواستن تو در مشکل موجب زیادی آن خواهد بود» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹۲).

۲. شناخت مسئله، «قبل از اینکه وارد مسئله‌ای شوی، توقف کن تا محل ورود و خروج آن را بشناسی و گرنه پشیمان می‌شوی» (ابن‌شعبه‌حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۰۴)؛ «تا کاری را نشناختی، شروع نکن» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۷۴۳)؛ «اندیشه‌های خود را (نسبت به مسائل) متهم کنی که اعتماد به آن خطاست» (همان، ص ۱۵۸).

۳. توجه به اهداف و تشخیص موانع مسئله. توجه به اهداف نهایی در حل مسائل زندگی: «ای کسانی که ایمان آوردید خدا را یاری کنید نه هوای نفس و شیطان» (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۵). توجه به اهداف مسئله: «آنچه را که مهم نیست رها کن و مشغول امور مهم شو» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۸۱۸). تشخیص موانع: «کسی که مشکل کاری را نداند، نمی‌تواند از آن دوری کند» (همان، ص ۶۵۴).

۴. تفکر و مشورت، «هرگاه خواستی کاری انجام دهی، با علم و اندیشه باشد» (طبرسی، ۱۳۷۰، ص ۴۵۸). «ایده‌های صحیح با پرواز فکر به دست می‌آید» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۷)، «ایده‌های دیگران را با هم مخلوط کن تا نظر صحیح از آن بیرون آید، کسی که خودرأی باشد، خود را به خطر انداخته» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۲، ص ۴۶).

۵. تصمیم‌گیری، «زمانی که بر کاری تصمیم گرفتی، به پیامدهای آن فکر کن. اگر خوب بود، سریع اقدام کن و اگر مناسب نبود، دست نگه‌دار» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۵۰). «بشارت بده به بندگانی که نظرات را می‌شنوند و بهترین آنرا پی‌گیری می‌کنند» (زمر: ۱۷).

با در نظر گرفتن توان وجودی انسان است (بقره: ۲۸۶)؛ هرچه ایمان فرد افزایش می‌یابد، بر آزمایش‌های او نیز افزوده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۲۵۲). همه انسان‌ها دچار مشکل می‌شوند، اما تحمل آن برای انسان مؤمن پاداش و حمایت الهی را به همراه دارد (آل‌عمران: ۱۴۰). هدف از این آزمایش‌ها، از یک سو، رسیدن به سعادت در آخرت است (آل‌عمران: ۱۸۶) و از سوی دیگر، حل این مسائل در دنیا برای انسان‌ها سودهایی به دنبال دارد (نهج‌البلاغه، ص ۴۱۸).

۲. خوش‌بینی یا بدبینی نسبت به مسائل، آنها که به خداوند ایمان دارند و مسائل زندگی را آزمایش الهی می‌دانند، خود را تنها ندانسته و نسبت به حمایت الهی خوش‌بین هستند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۲). همچنین آنها نسبت به قول و کار مؤمنان و افرادی که خیانت نمی‌کنند، خوش‌بین هستند (تمیمی آمدی، ۱۴۱۳ق، ص ۲۸۳). امام علی^{علیه السلام} درباره خوش‌بینی نسبت به توان خود، می‌فرماید: «دانش خود را کم ندانید، در یقین خود تردید نکنید، زمانی که می‌دانید انجام دهید و زمانی که یقین دارید اقدام کنید» (نهج‌البلاغه، ص ۵۲۴). در متون اسلامی، با عبارات مختلف بیان شده که «برای هر مشکلی راه‌حلی هست» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۱۵)، اما جایی که راه‌حلی وجود ندارد، چگونگی صبر بر این مسائل خود نیز نوعی حل مسئله است (محمد بن محمد، بی‌تا، ص ۲۳۴).

پیشینه تحقیقات جدید پیرامون مهارت حل مسئله، به اواخر قرن نوزدهم برمی‌گردد. در این سال‌ها، ویلیام جیمز و جان دیویی، هر یک به‌طور مستقل به مطالعه پیرامون حل مسئله پرداخته‌اند. دیویی، فرآیند برخورد با شرایط زندگی را «حل مسئله» نامید. کتاب مستقل او درباره حل مسئله در سال ۱۹۳۳ و مرحله‌ای که برای حل مسئله برشمرد، سرآغازی بر تحقیقات بعدی شد (بوتیا و اورزکو، ۲۰۰۹؛ هپنر و همکاران، ۲۰۰۴). پس از آن، مراحل مختلفی برای حل مسئله در تحقیقات مدیریتی، تربیتی و روان‌شناسی مطرح شد. اما رویکرد شناختی-رفتاری دیزوریلا و گلاکفرباید (۱۹۷۱) درباره حل مسئله، به دو جهت مورد پذیرش محققان و درمانگران واقع شد: نخست اینکه، پیش از ایشان تحقیقات جنبه‌های هیجانی و انگیزشی در حل مسئله را مدنظر قرار نمی‌دادند، اما از این تاریخ و به وسیله این دو روان‌شناس، ابتدا به صورت مقدمه و بعداً به عنوان یکی از ابعاد مقدم و مهم برای حل مسئله تحت عنوان «جهت‌گیری نسبت به حل مسئله» منظور شد (دانشنامه ویکپدیا، ۲۰۱۳). دوم اینکه، مرحله‌ای که توسط این دو روان‌شناس پایه‌ریزی و پس از آن توسط دیزوریلا و نزو (۱۹۸۲) برای حل مسئله طراحی و تکمیل گردید، به واسطه تخصصی و مجزا بودن مراحل آن و همراه داشتن مهارت‌هایی برای هر مرحله، مورد توجه درمانگران و محققان قرار گرفت، تا بر اساس این مدل، آزمون‌های حل مسئله و تحقیقات بعدی را به جامعه علمی و درمانی عرضه کنند (هپنر و همکاران، ۲۰۰۴).

۶. توکل و توسل، «در امور مهم از خدا مدد بگیر» (نهج‌البلاغه، ص ۴۲۱). توکل درجاتی دارد. از حضرت علی^{علیه السلام} درباره معنای آیه «کسی که بر خدا توکل کند، خدا او را بس است» (طلاق: ۳) پرسیدند، ایشان مقام «رضا» و «تفویض» را ذکر کردند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۷). همچنین مقام «استعانت» از دیگر درجات آن است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۶، ص ۳۷۳)، امام رضا^{علیه السلام} درباره توسل می‌فرماید: «زمانی که مشکلی بر شما روی آورد با توسل به اهل‌بیت^{علیهم السلام} از خداوند یاری بخواهید» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۵۲).

۷. ارزیابی فرایند، «حفظ تجربیات گذشته (و به کار گرفتن آنها نوعی)، دوراندیشی است» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۴۴).

در مقابل مراحل فوق، برخی با سبک اجتنابی مسائل را از خود دور می‌کنند که در متون اسلامی چند نشانه دارد: الف. سستی و تأخیر: «زمانی که سختی به تو رسید، اگر چاره‌ای داشتی از خود سستی نشان نده و اگر چاره‌ای نداشتی، بی‌طاقتی نکن» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق، ج ۲۰، ص ۳۱۰). ب. نگرانی و غصه: «از دو خصلت بپرهیز: بی‌حوصلگی و ناراحتی؛ زیرا اگر بی‌حوصله باشی، بر حق شکیبایی نکنی و اگر ناراحتی نشان دهی، نمی‌توانی حقوق را ادا کنی» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۵). ج. وابستگی، «باید در قلب تو نیازمندی به مردم و بی‌نیازی از ایشان هر دو با هم جمع باشد: نیازمندی به این معنی که با آنان نرم سخن گویی و گشاده‌رو باشی و بی‌نیازی به این معنی که عرض خویش نبری و عزت خود را پاس داری» (همان، ج ۲، ص ۱۴۹).

همچنین برخی با سبک عجله‌ای، همواره مسائل را از خود دور می‌کنند که در متون اسلامی نسبت به آن نیز هشدار داده شده است؛ «پرهیز کن از اینکه پیش از موعد در کارها شتاب کنی، یا در موعد انجام آن را ناتمام گذاری، یا در کارهایی که راه راست در آنها آشکار نیست، لجاجت به خرج دهی، یا چون وضع روشن شد سستی کنی. بنابراین، هر چیز را در جای خود قرار ده، و هر کار را در هنگام خود به انجام رسان» (نهج‌البلاغه، ص ۴۴۴).

با این حال، جهت‌گیری نسبت به مسائل زندگی، بر شیوه حل آن تأثیرگذار است. در متون اسلامی، نوع نگاه به مسائل در دو بعد قابل جمع است:

۱. اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مشکلات زندگی، قرآن کریم خوشی‌ها و سختی‌های زندگی را آزمایش الهی معرفی می‌کند (بقره: ۱۵۵) که موقتی هستند، نه دائمی (شرح: ۶) و با توجه دادن به اراده الهی در تقدیر آنها، تحمل آن را برای مؤمنان امکان‌پذیر می‌داند (توبه: ۵۱). البته آزمایش‌های الهی،

- «حل مسئله منطقی»، شامل تلاش فرد برای تشخیص مسئله و یافتن راه‌حل‌های مؤثر یا روش‌های مقابله با آنها می‌شود. در این الگو، چهار مهارت حل مسئله معرفی می‌شود:

۱. تعریف و فرمول‌بندی مسئله با اجزاء: جست‌وجوی واقعیت‌های در دسترس، توصیف واقعیت‌ها به زبان ساده، جداسازی فرضیات از واقعیات، هدف‌گذاری واقع‌گرا و قابل دست‌یابی و تشخیص موانع؛
۲. تولید راه‌حل جایگزین به کمک تفکر خلاق و تکنیک بارش فکری؛
۳. تصمیم‌گیری با استفاده از تفکر وسیله و هدف یا تحلیل سود و زیان؛
۴. پیاده‌سازی و ارزیابی راه‌حل با چهار جزء: ترسیم نقشه اجرا، بازبینی پیامدها، ارزیابی میزان موفقیت، پاداش به خود، در صورت موفقیت و یافتن مشکل فرایند حل مسئله در صورت عدم موفقیت (گلدفرید و دیویسون، ۱۳۷۱، ص ۷۴؛ نزو و همکاران، ۲۰۱۲، ص ۱۹۸).

برای سنجش این مهارت، آزمون‌های متعددی تدوین شده‌اند، به یک لحاظ، می‌توان آنها را به آزمون‌های پیامدسنج یا فرایندسنج تقسیم کرد (دیزوریل و میدو، ۱۹۹۵). آزمون‌های فرایندی، توانمندی یا ناکارآمدی فرد را در گرایش‌های یا مهارت‌های او در حل مسئله را می‌آزمایند، اما آزمون‌های پیامدسنج، کارکرد راه‌حل‌های فرد را در موقعیت خاص و برای مسائل خاص می‌سنجند. آزمون‌هایی مانند حل مسئله اجتماعی تجدیدنظر شده (SPSI-R) نزو و دیزوریل (۲۰۰۲)، پرسش‌نامه حل مسئله همپنر و پترسون (۱۹۸۲)، جزو دسته اول به حساب می‌آیند. آزمون حل مسئله وسیله-هدف پلت و اسپرواک، جزو آزمون‌های پیامدسنج‌ها شمرده می‌شوند.

پرسش‌نامه حل مسئله مذهبی پارگامنت، پارگامنت و همکاران (۱۹۸۸) برای سنجش سه نوع سبک حل مسئله، مشارکتی با خدا، خودهدایتی و واگذاری به خدا، آزمون حل مسئله مذهبی (RPSS) را تدوین کردند. آلفای کرونباخ، برای سبک اشتراکی و خود هدایتی ۰/۹۴ و برای سبک واگذاری ۰/۹۱ به دست آمده است. در سبک حل مسئله اشتراکی، حل‌کننده مسئله و خداوند به صورت اشتراکی مسئله را حل می‌کنند و مسئولیت آن نیز بر هر دو خواهد بود. در مقابل، با سبک واگذاری فرد حل مسائل خود را به خداوند واگذار می‌کند و خود منتظر نتیجه می‌شود. فیلیپس و همکاران (۲۰۰۴)، سبک خودهدایتی را به دو عامل تجزیه کردند؛ ۱. «باور به رها بودن از طرف خدا»؛ ۲. «سبک حمایتی اما غیرمداخله‌ای خدا»، آلفای کرونباخ برای عامل اول ۰/۸۶ و برای عامل دوم ۰/۸۷ به دست آمد. نتیجه همبستگی آزمون، باز آزمون بعد از ۱۸ روز نیز ۰/۶۳ و ۰/۷۷ برای هریک گزارش شده است.

الگوی اولیه مهارت حل مسئله (دیزوریل و گلدفرید، ۱۹۷۱؛ دیزوریل و نزو، ۱۹۸۲)، دارای دو بعد مهم و تقریباً مستقل بود: ۱. نوع جهت‌گیری نسبت به مسئله. ۲. مهارت‌های حل مسئله (بعدها به نام «حل مسئله صحیح» (دیزوریل و نزو، ۱۹۹۹) و اخیراً «سبک حل مسئله» نامیده شده که شامل سبک‌های تکانشی/بی‌دقتی، اجتنابی و سبک حل مسئله منطقی است (دیزوریل و نزو، ۲۰۱۰، ص ۲۰۰).

نوع جهت‌گیری به مسئله، فرایندی فراشناختی است که در درجه اول، نقش انگیزشی-هیجانی در حل مسئله دارد و شامل مجموعه‌ای از طرحواره‌های شناختی-رفتاری مرتبط به هم است که میزان آگاهی و ارزیابی‌های فرد از مسائل موجود در زندگی او و همچنین درک و واکنش فرد را نسبت به مشکل نشان می‌دهد. در حقیقت، نشان‌دهنده جهان‌بینی فرد نسبت به مسئله است (نزو، ۲۰۰۴).

- «جهت‌گیری مثبت به مسئله»، مجموعه‌ای از شناخت‌های سازنده است که تمایل عمومی فرد را به این موارد نشان می‌دهد، ارزیابی مبارزه‌طلبی از مسئله، باور به قابل حل بودن مسئله یا خوش‌بینی به نتایج، باور خود کارآمدی در حل مسئله، باور به اینکه حل مسئله موفقیت‌آمیز نیازمند زمان، تلاش و پایداری است، تلقین خود به تعهد بر حل مسئله، به جای رهاکردن موضوع.

- «جهت‌گیری منفی نسبت به مسئله»، مجموعه‌ای از شناخت‌های ناکارآمد و بازدارنده است که همراه با گرایش‌های زیر است: مسئله را یک خطر بزرگ اجتماعی، رفتاری و یا بهزیستی ببیند، در توانایی خود و دیگران برای حل موفقیت‌آمیز مسئله تردید دارد، هیجانانگیز منفی و آشفتگی در رویارویی با مسائل زندگی نشان می‌دهد و تحمل بلا تکلیفی و ناامیدی را ندارد (مک‌موران و مک‌گور، ۲۰۰۵، ص ۱۰۶).

- «سبک تکانشی/بی‌دقتی»، الگویی از حل ناکارآمد مسئله است، با این ویژگی که فرد تمایل زیادی برای اجرای تکنیک‌ها و فنون حل مسئله دارد، اما این تلاش‌ها همراه با بی‌دقتی، بی‌فکری، شتاب‌زدگی، نقص و سطح پایین هستند (رودریگز و مایدو، ۲۰۰۰).

- «سبک اجتنابی»، از دیگر الگوهای ناکارآمد است که با ظفره رفتن، منفعل یا معطل ماندن و وابستگی شناخته می‌شود. افراد اجتناب‌گر، ترجیح می‌دهند تا به سمت مسئله نروند و تا جایی که امکان دارد از مسائل شخصی یا عمومی که انتظار پاسخ از ایشان می‌رود، دور شوند. ایشان به جای اینکه به سرعت به حل آن بپردازند، منتظر می‌شوند تا مسائل خود به خود حل شوند و تلاش می‌کنند مشکلاتشان را به دیگری حواله کنند (واکلینگ، ۲۰۰۷).

هدف نهایی این پژوهش، ساخت یک آزمون در زمینه حل مسئله است، مستلزم ارزیابی روایی و اعتبار آن به صورت میدانی است؛ روش تحقیق در بخش دوم پژوهش، «زمینه‌یابی» «پیمایشی» خواهد بود (دلاور، ۱۳۸۴، ص ۱۷۳-۱۷۵).

افزون بر این، برای بررسی روایی و اعتبار سازه حل مسئله اسلامی، از خبرگان علوم اسلامی استفاده شده و برای تحلیل نظرات آنها از شاخص‌های آمار توصیفی و روش همبستگی استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش، دانش‌پژوهان مؤسسه امام خمینی^ع در تمامی مقاطع سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳ بودند. حجم این جامعه، به‌طور تقریبی برابر ۳۰۰۰ نفر است. با توجه به اینکه این تحقیق، مراحل ابتدایی ساخت آزمون مهارت حل مسئله را پی‌گیری می‌کند و اساس روش تحلیل داده‌های این تحقیق بر همبستگی است لذا تعداد ۱۰۰ نفر از این جامعه برای این منظور کفایت می‌کند (هومن، ۱۳۸۶، ص ۲۹۹). این تعداد آزمودنی به شکل تصادفی طبقه‌ای با میانگین سنی ۲۷/۶۴ و انحراف استاندارد ۴/۰۸۶ در تحقیق شرکت کردند.

ابزار پژوهش این تحقیق، آزمون محقق ساخته‌ای است که در فرایند تحقیق اعتبار و روایی آن محاسبه می‌شود. علاوه بر این، برای محاسبه روایی ملاک برای این آزمون از نسخه تجدیدنظر شده پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی دیزوریلا و نرو (۱۹۹۰ و ۲۰۰۲) نیز استفاده می‌شود. این آزمون از پذیرفته‌ترین پرسش‌نامه‌ها برای سنجش حل مسئله است (صالحی و همکاران، ۱۳۸۸؛ واکلینگ، ۲۰۰۷). صحت اعتبار پنج بعد SPSS-R، در نمونه‌ای از بزرگسالان (دیزوریلا و همکاران، ۲۰۰۲) و نوجوانان (سادوسکی و همکاران، ۱۹۹۴) ارزیابی شد. صحت اعتبار نسخه ترجمه شده نیز با آزمودنی‌هایی از اسپانیا (رودریگز و همکاران، ۲۰۰۰) آلمان (گراف، ۲۰۰۳)، بزرگسالان چینی (سو و شک، ۲۰۰۵) به دست آمد. نسخه کامل این آزمون در ایران، توسط ثابت و همکاران (۱۳۹۰)، با آزمون همتای سبک‌های حل مسئله کسیدی اجرا شد. نتیجه این تحقیق نشان داد که ضرایب آلفای کرونباخ، برای عامل‌های جهت‌گیری مثبت به مسئله، جهت‌گیری منفی به مسئله، حل منطقی مسئله، سبک اجتنابی و سبک تکانشی/بی‌دقتی، به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۶، ۰/۹۰، ۰/۸۴ و ۰/۷۱ به دست آمده است. نتایج این پژوهش، ثبات ساختار عاملی پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی و اعتبار آن برای سنجش حل مسئله اجتماعی در دانشجویان ایرانی را نشان می‌دهد. در تحقیق شاطریان و همکاران (۱۳۹۱)، همسانی درونی این پرسش‌نامه بالای ۰/۷ به دست آمد و نتیجه تحلیل عاملی نیز همین عوامل را نشان داده‌اند که با ترتیب بالا و با آلفای ۰/۷۲، ۰/۹۲، ۰/۹۵، ۰/۷۲ و ۰/۹۲ گزارش شده است.

از سوی دیگر، برخی از این آزمون‌ها برای سنجش حل مسئله در محدوده‌های خاصی طراحی شده‌اند. مانند پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی برای نوجوانان، نکت و بلک (۱۹۹۵، ۲۰۰۳)، پرسش‌نامه تکنیک‌های حل مسئله بین‌فردی، گتر و نوینسکی (۱۹۸۱)، پرسش‌نامه مسائل جوانان (هولین و پالمر، ۲۰۰۶)، ارزیابی مهارت‌های حل مسئله بین‌فردی؛ *دونا* و همکاران (۱۹۹۰) و یا برای پوشش همه فرایند حل مسئله، مانند حل مسئله اجتماعی تجدیدنظر شده *نرو* و *دیزوریلا*، پرسش‌نامه حل مسئله *هینر* و *پترسون* و سبک‌های حل مسئله *کسیدی* و *لانگ* (۱۹۹۶).

هینر و *پترسون*، برای طراحی پرسش‌نامه حل مسئله، از الگوی حل مسئله *گلدفرید* و *دیزوریلا* (۱۹۷۱) استفاده کرده و پنج مؤلفه را در طراحی آزمون در نظر گرفتند: جهت‌گیری نسبت به حل مسئله، تعریف مشکل، ارائه راه‌حل جایگزین، تصمیم‌گیری و ارزیابی، اما نتیجه تحلیل عاملی برای این آزمون، سه عامل نشان داد: کفایت حل مسئله، کنترل شخصی، گرایش یا اجتناب نسبت به مسئله (*هینر* و همکاران، ۱۹۹۷). پرسش‌نامه سبک‌های حل مسئله *کسیدی* و *لانگ* نیز تمام مؤلفه‌های حل مسئله را پوشش نمی‌دهد. همچنین به عقیده *چنگ* و همکاران (۲۰۰۴)، سایر آزمون‌های موجود برای سنجش حل مسئله، از ویژگی‌های روان‌سنجی کافی به‌عنوان یک ابزار مؤثر برخوردار نیستند.

با توجه به اهمیت موضوع مهارت حل مسئله، تاکنون با توجه به منابع اسلامی، تحقیقی در رابطه با تشخیص مؤلفه‌های سازه حل مسئله و تدوین پرسش‌نامه‌ای که توانمندی افراد را در حل مسائل نشان دهد، صورت نگرفته است. بر این اساس، مسئله اساسی این پژوهش عبارت است از: ساخت پرسش‌نامه اولیه مهارت حل مسئله، مبتنی بر منابع اسلامی و بررسی روایی و اعتبار آن. از این‌رو، این سؤال‌ها در مورد این پرسش‌نامه بررسی شده است: از منابع اسلامی چه ساختاری برای حل مسئله برداشت می‌شود؟ پرسش‌نامه اولیه مهارت حل مسئله از دیدگاه اسلام از چه میزان روایی و اعتبار برخوردار است؟

روش پژوهش

این تحقیق، در تقسیم با ملاحظه هدف تحقیق، از نوع تحقیقات بنیادی و نظری (در مقابل کاربردی) به حساب می‌آید (دلاور ۱۳۸۰، ص ۴۸). از روش تحلیل محتوا برای بررسی، توصیف، دسته‌بندی، مقایسه، و تجزیه و تحلیل مفاهیم محتوای آشکار پیام‌های موجود در متون دینی مرتبط با «حل مسئله» به کار گرفته شده است (شریعتمداری، ۱۳۸۸، ص ۷۷). از سوی دیگر، از آنجاکه

برای گردآوری اطلاعات، ابتدا به شیوه توصیفی-تحلیلی در منابع اسلامی، به تشکیل پرونده علمی اقدام شد. به دلیل اهمیت و نو بودن موضوع در بخش اسلامی و نیاز به تحلیل مبنایی این سازه، با بررسی آیات روایات و تفاسیر موجود، توصیه منابع دینی به چگونگی جهت‌گیری و مواجهه با مسائل زندگی مورد تجزیه و تحلیل دقیق قرار گرفت و به صورت جامع ملاحظه و خانواده قرآنی- حدیثی تشکیل، سپس با استفاده از روش‌های تفسیری و اجتهادی مورد بررسی و تحلیل و پردازش قرار گرفت. مطابق با مستندات منابع دینی و در پاسخ به پرسش اول پژوهش، مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های زیر برای مراحل و ابعاد مهارت حل مسئله تدوین شد.

جدول ۱. فهرست مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌های حل مسئله و مراحل حل مسئله بر اساس آیات و روایات

مؤلفه	خرده‌مؤلفه
آرام‌سازی: کنترل هیجانات مخرب و حفظ آرامش برای حل مسئله.	
شناخت و تعریف مسئله: منظور درک حقیقت مسئله، ارائه تعریفی دقیق از آن و شناسایی مسئله اصلی، پیش‌فرض‌های فرد و حقایق مخصوص به مسئله مورد نظر است.	تشخیص و تعریف مسئله شناسایی علل شناسایی پیش‌فرض‌ها جمع‌آوری اطلاعات
توجه به اهداف و تشخیص موانع مسئله: شناسایی و تعیین اهدافی که بهتر است مسئله به سمت آنها حرکت کند و همچنین موانعی که ممکن است در این مسیر وجود داشته باشد.	توجه به اهداف نهایی توجه به اهداف مسئله خاص تشخیص موانع
تفکر و مشورت: گذاشتن وقت کافی و مفید برای یافتن ایده‌های متنوع، نو و زیاد برای مسئله و استفاده از نقطه نظر افراد خبره.	تفکر خلاق و ارائه ایده‌های متنوع مشورت
تصمیم‌گیری: روشی منطقی برای دست‌یابی به راه‌حل نهایی با کمترین پیامد نامطلوب و تنظیم فرایند اجرای راه‌حل انتخاب شده.	ارزیابی پیامد ترکیب ایده‌ها و انتخاب برنامه‌ریزی
توکل و توسل: اعتماد، اطمینان و سپردن موضوع به خداوند و استمداد از خدا و مقربین به او برای رسیدن به هدف است.	توکل دعا و توسل
ارزیابی فرایند: یافتن نقاط مثبت و منفی و پی‌گیری چگونگی اجرای فرایند حل مسئله.	
سبک اجتنابی: راهبردی مختل‌کننده و ناکارآمد در حل مسئله است که با تعلل، انفعال، وابستگی و نگرانی مشخص می‌شود.	مستی، اجتناب و تأخیر وابستگی نگرانی و غصه
سبک عجله‌ای: راهبردی ناکارآمد در حل مسئله است که با تلاش‌های فعالانه برای رسیدن به هدف همراه است، اما این تلاش‌ها به شتاب، بی‌احتیاطی، و اجرای ناقص کار و مراحل منجر می‌شود.	

مؤلفه	خرده‌مؤلفه
اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مسائل زندگی: مسائل زندگی را به اراده الهی و آزمایشی برای دست‌یابی به فرصتهای دنیوی و اخروی بداند و یا اینکه تهدید به حساب آورد.	باور به آزمایش بودن مسائل زندگی
	باور به اراده‌الهی در آزمایش‌ها (قضاوقدر)
	باور به عمومیت آزمایش‌ها
	باور به موقتی دانستن آزمایش‌ها
	باور به برابری آزمایش‌ها با توان
خوش‌بینی یا بدبینی: داشتن نگاهی مثبت یا منفی به خود، خداوند، آینده، دیگران و نتیجه کار	توجه به خیر اخروی در آزمایش‌ها
	توجه به خیر دنیوی در آزمایش‌ها
	خوش‌بینی نسبت به حمایت الهی
	خوش‌بینی نسبت به عمل مؤمنین و افراد غیرخانن
	خوش‌بینی نسبت به توان خود
	خوش‌بینی نسبت به حل شدن یا کنار آمدن با مسئله

دو مؤلفه آخر به‌عنوان جهت‌گیری نسبت به حل مسئله معرفی شدند، دو سبک ناکارآمد برخورد عجله‌ای با مسئله و اجتناب از مسئله و همچنین برای فرایند صحیح حل مسئله، مؤلفه‌های هفت‌گانه معرفی شد. برای سنجش درستی تنظیم مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها و همخوانی با مستندات این قسمت، به همراه گویه‌ها برای ارزیابی برای هشت کارشناس علوم اسلامی و روان‌شناسی ارسال شد، تا نظر خود را در دو قسمت: الف. مطابقت مستندات با مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها؛ ب. مطابقت گویه‌ها با مستندات ذکر شده در یک مقیاس لیکرت چهار درجه‌ای اعلام نمایند.

یافته‌های پژوهش

هدف از این تحقیق، ساخت آزمونی است که به‌صورت کمی بتواند مهارت حل مسئله را براساس معیارهای مستفاد از منابع اسلامی اندازه‌گیری نماید. برای رسیدن به این هدف، دو پرسش: بررسی میزان روایی و اعتبار مقیاس مطرح شد. در ادامه، یافته‌های مربوط به دو پرسش مذکور ارائه می‌شود. برای بررسی روایی آزمون، از سه روش روایی محتوا، روایی وابسته به ملاک و روایی سازه استفاده شده است.

ارزیابی کارشناسان برای سنجش روایی صوری - محتوایی این پرسش‌نامه، در قسمت اول طبق ساختار لیکرت با میانگین کل ۳/۶۲ (۹۰٪)، واریانس ۰/۲ و با انحراف استاندارد ۰/۲۷۹ نشان داد که از نظر کارشناسان دین، مؤلفه‌های نظری مهارت حل مسئله اسلامی، در حد «خیلی زیاد» با آموزه‌های دینی مطابقت دارد. ضریب تطابق کندال ۰/۱۸۹، با مقدار مجذور کای ۴۵/۴۴، درجه آزادی ۳۰، در سطح

نتایج جدول فوق، بیانگر رابطه نسبتاً قوی مؤلفه‌ها با کل آزمون است. همبستگی مؤلفه‌ها با یکدیگر نسبتاً کم است که بیانگر استقلال مؤلفه‌ها از یکدیگر و اعتبار آزمون است. برای سنجش قابلیت اعتبار آزمون، از روش همسانی درونی استفاده شد. برای برآورد همسانی درونی آزمون در این پژوهش، از روش آلفای کرونباخ بهره گرفته شد. جدول ۳، نتایج ضرایب آلفای کرونباخ آزمون را نشان می‌دهد.

جدول ۳. ضرایب آلفای کرونباخ برای آزمون مهارت حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی

آزمون و مؤلفه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
کل آزمون مهارت حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی (۷۸ گویه)	۰/۹۶
کنترل هیجان (۴ گویه)	۰/۸۳
تعریف و تشخیص (۸ گویه)	۰/۸۴
توجه به اهداف و تشخیص موانع (۶ گویه)	۰/۷۰
تفکر و مشورت (۶ گویه)	۰/۷۷
تصمیم‌گیری (۶ گویه)	۰/۸۳
توکل و توسل (۵ گویه)	۰/۷۹
ارزیابی فرایند (۲ گویه)	۰/۳۴
سبک اجتنابی (۷ گویه)	۰/۷۷
سبک عجله‌ای (۴ گویه)	۰/۶۶
اعتقاد به آزمایش یا تهدید دانستن مشکلات زندگی (۱۶ گویه)	۰/۸۵
خوش‌بینی یا بدبینی (۱۲ گویه)	۰/۷۶

تعداد دو گویه، اگرچه بر اعتبار کل آزمون بی‌اثر بودند، اما با توجه به تأثیری که بر آلفای مؤلفه «اعتقاد به آزمایش یا تهدید» داشتند از آزمون حذف گردیدند.

روش دیگر برای محاسبه اعتبار این آزمون، استفاده از روش دونیمه‌سازی اسپیرمن برآون و گاتمن بوده در جدول زیر مقادیر به دست آمده را نشان می‌دهد.

جدول ۴. نمرات دونیمه‌سازی آزمون حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی

آلفای کرونباخ	نیمه اول		مجموع تعداد گویه‌ها
	مقدار	تعداد گویه‌ها	
۰/۹۳	مقدار	تعداد گویه‌ها	۷۸
۳۹	مقدار	تعداد گویه‌ها	۷۸
۰/۹۱	مقدار	تعداد گویه‌ها	۷۸
۳۹	مقدار	تعداد گویه‌ها	۷۸
۰/۹۰	همبستگی بین دو فرم		
۰/۹۵	تساوی تعداد گویه‌ها		
۰/۹۵	عدم تساوی تعداد گویه‌ها		
۰/۹۴	ضریب دو نیمه سازی گاتمن		

معناداری ۰/۰۳۵، ۰/۰۵ < p بیانگر توافق مناسب و معنادار کارشناسان خبره، در مورد موافقت مؤلفه‌ها و خرده‌مؤلفه‌ها با مستندات اسلامی است و روایی بالای محتوای آزمون را می‌رساند.

میانگین نمرات کارشناسان برای قسمت دوم، یعنی مطابقت گویه‌ها با مستندات برابر با ۳/۵۱ (۸۷٪) محاسبه شد، با انحراف استاندارد ۰/۵۸ و واریانس ۰/۳۷. بنابراین، این گویه‌ها از نظر کارشناسان در حد «خیلی زیاد» با مستندات تطبیق دارند. ضریب کنکال برای این گویه‌ها ۰/۱۷۰ و مقدار χ^2 دو ۱۳۴/۳۲۱ با درجه آزادی ۹۹ و در سطح معناداری ۰/۰۱، ۰/۰۱ < P بیانگر معناداری روایی محتوای گویه‌های آزمون از نظر کارشناسان است. در این ارزیابی، تعداد ۶ گویه از ۱۰۰ گویه، نمره‌ای کمتر از ارزش ۸۰ درصد را کسب کرده و حذف شدند. پس از اعمال نظرات کارشناسان، اصلاح و جابجایی در گویه‌ها، پرسش‌نامه ۸۰ سؤالی برای اجرای اولیه آزمون آماده شد.

برای بررسی روایی وابسته به ملاک، از آزمون حل مسئله اجتماعی (SPSI-R) نزو و دیزوریلا استفاده شد. با اجرای همزمان این آزمون، با آزمون محقق ساخته، به بررسی میزان همبستگی بین دو آزمون اقدام شد. نتایج نشان از همبستگی معنادار این دو آزمون در سطح ۰/۰۱ برابر با ۰/۸۸ دارد.

برای برآورد روایی سازه، از روش محاسبه همبستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها استفاده شد. به لحاظ نظری، آزمون باید با مؤلفه‌ها همبستگی بالایی داشته باشد و مؤلفه‌ها با هم همبستگی اندکی داشته باشند. همان‌گونه که جدول ۵ نشان می‌دهد، این شرط تأمین شده است.

جدول ۵. محاسبه ضریب همبستگی بین آزمون و مؤلفه‌ها

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱. کل آزمون	۱											
۲. کنترل هیجان	**۰/۸۱۱	۱										
۳. تعریف و تشخیص	**۰/۸۳۳	**۰/۵۹۲	۱									
۴. اهداف و موانع	**۰/۸۰۹	**۰/۶۲۰	**۰/۷۰۱	۱								
۵. تفکر و مشورت	**۰/۷۴۳	**۰/۴۷۶	**۰/۸۳۳	**۰/۵۶۲	۱							
۶. تصمیم‌گیری	**۰/۷۹۳	**۰/۵۷۲	**۰/۸۴۲	**۰/۶۶۲	**۰/۷۶۰	۱						
۷. توکل و توسل	**۰/۷۱۱	**۰/۵۰۳	**۰/۵۴۸	**۰/۵۹۶	**۰/۵۰۰	**۰/۴۷۹	۱					
۸. ارزیابی فرایند	**۰/۶۱۹	**۰/۴۵۰	**۰/۵۲۷	**۰/۵۴۱	**۰/۴۲۲	**۰/۵۲۰	**۰/۴۵۸	۱				
۹. سبک اجتنابی	**۰/۷۵۷	**۰/۶۸۴	**۰/۵۱۴	**۰/۵۴۳	**۰/۳۸۹	**۰/۴۸۱	**۰/۳۷۴	**۰/۴۵۶	۱			
۱۰. سبک عجله‌ای	**۰/۷۸۲	**۰/۶۹۱	**۰/۷۱۰	**۰/۶۱۱	**۰/۶۷۲	**۰/۷۲۴	**۰/۴۱۳	**۰/۵۱۸	**۰/۵۶۵	۱		
۱۱. آزمایش یا تهدید	**۰/۸۵۳	**۰/۶۴۹	**۰/۶۶۱	**۰/۶۵۳	**۰/۶۸۵	**۰/۶۳۴	**۰/۵۷۲	**۰/۴۰۸	**۰/۶۲۲	**۰/۶۲۲	۱	
۱۲. خوش‌بینی یا بدبینی	**۰/۸۶۵	**۰/۷۲۱	**۰/۵۴۱	**۰/۶۱۹	**۰/۴۶۵	**۰/۴۹۰	**۰/۶۶۹	**۰/۵۱۵	**۰/۶۹۷	**۰/۵۳۸	**۰/۸۶۵	۱

**= p < ۰/۰۱

همچنین، در این تحقیق ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی نرو و دیزوریلا، با داده‌های زیر به دست آمده است.

جدول ۵. ضرایب آلفای کرونباخ برای آزمون حل مسئله اجتماعی تجدیدنظر شده

آزمون و مؤلفه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
کل آزمون حل مسئله اجتماعی تجدیدنظر شده (۵۲ گویه)	۰/۹۳
جهت‌گیری منفی به مسئله (۱۰ گویه)	۰/۸۶
جهت‌گیری مثبت به مسئله (۳ گویه)	۰/۳۵
سبک تکانشی بی‌دقتی (۱۰ گویه)	۰/۸۳
سبک اجتنابی (۷ گویه)	۰/۶۰
حل مسئله منطقی (۲۲ گویه)	۰/۹۰

ضریب دونیمه‌سازی برای آزمون حل مسئله اجتماعی نرو و دیزوریلا، برای هر دو نیمه ۰/۸۸ نشان داده شد. همچنین ضریب اسپیرمن‌براون و گاتمن نیز ۰/۸۹ به دست آمده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، ساخت و اعتباریابی پرسش‌نامه «مهارت حل مسئله مبتنی بر منابع اسلامی» بود. نتایج سنجش روایی محتوا، ملاکی و سازه نشان داد که این آزمون روایی لازم برای سنجش مهارت حل مسئله - مطابق با آنچه از اسلام برداشت شده - را داراست. به عبارت دیگر، این آزمون برای استنباط نمره حل مسئله پاسخ‌دهندگان ابزاری مفید، بامعنا و مناسب به حساب می‌آید.

اعتبار آزمون نیز با روش همسانی درونی یا ضریب آلفای کرونباخ و روش دونیمه‌سازی مورد محاسبه قرار گرفت نتایج فوق نشان دادند که پرسش‌نامه از اعتبار بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر، ثبات، پایایی و قابلیت پیش‌بینی و دقت آزمون مورد تأیید است.

با توجه به نوع نگاه متون دینی به موضوع حل مسئله و ساختار و مراحل آن، تعریفی که برای آن برگزیده می‌شود، عبارت است از: «فرایند تنظیم خلق و مقابله مؤثر با چالش‌های پیش‌رو بدون شتاب یا اجتناب، که طی این فرایند فرد یا افراد مسئله را آزمایش الهی دانسته و با خوش‌بینی منطقی برای رسیدن به هدف مورد نظر اقدام می‌کنند». تفاوت فرایند حل مسئله در اسلام، با حل مسئله در دیدگاه شناختی رفتاری دیزوریلا در جدول زیر نشان داده شده است.

جدول ۶. مقایسه مراحل حل مسئله از نگاه اسلام و دیدگاه شناختی رفتاری دیزوریلا گلدفرید

حل مسئله بر اساس اسلام		حل مسئله شناختی رفتاری		
مؤلفه	خرده‌مؤلفه	مؤلفه	اجزا	
کنترل هیجان				
شناخت و تعریف مسئله	تشخیص و تعریف مسئله	تعریف و فرمول‌بندی مسئله	جست‌وجوی واقعیت‌های در دسترس	
	شناسایی علل		توصیف واقعیت‌ها به زبان ساده	
	شناسایی پیش‌فرض‌ها		جداسازی فرضیات از واقعیات	
	جمع‌آوری اطلاعات		هدف‌گذاری واقع‌گرا و قابل دست‌یابی	
توجه به اهداف و تشخیص موانع مسئله	توجه به اهداف نهایی	تشخیص موانع		
	توجه به اهداف مسئله خاص			
	تشخیص موانع			
تفکر و مشورت	تفکر خلاق و ارائه ایده‌های متنوع	تولید راه‌حل جایگزین		
	مشورت			
تصمیم‌گیری	ارزیابی پیامد	تصمیم‌گیری ارزیابی پیامدهای مثبت و منفی		
	ترکیب ایده‌ها و انتخاب			
	برنامه‌ریزی			
توکل و توسل	توکل			
	دعا و توسل			
ارزیابی فرایند	پیاده‌سازی و ارزیابی راه‌حل			ترسیم نقشه اجرا
				بازبینی پیامدها
				ارزیابی میزان موفقیت
				پاداش یا جریمه

به عقیده فیلیپس، پارگامنت و همکاران (۲۰۰۴)، سبک صحیح حل مسئله - طبق باورهای مسیحیت - «سبک مشارکتی» است که با اعتماد به نفس و رضایت از زندگی رابطه مثبت داشته و با اضطراب و افسردگی همبستگی منفی نشان داده است. این نتایج، برای «سبک‌های واگذاری به خداوند و اعتقاد به رهاشده‌گی» از سوی خداوند برعکس به دست آمده است.

این ادعا که خداوند در افعال انسان به صورت عرضی شراکت دارد، شرک به خدا بوده و این مدعا بر خداوند محال است (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ص ۵۸۱). همچنین طبق این دیدگاه، انسان مجبور به اراده خدا نیست تا مسائل خویش را به خدا واگذارد (همان)، یا طبق سبک خودهدایتی و اجزاء آن، انسان در این دنیا رها شده نیست، چه با نظارت و حمایت الهی یا بدون آن، تا همه افعال او تنها به اراده انسان صورت بگیرد، بلکه علم و اراده خدا در طول اراده، انسانی بر وقوع فعل دخالت دارد (همان، ص ۴۵۷-۴۵۰).

بر اساس منابع اسلامی خداوند انسان‌ها را در معرض آزمایش‌های متنوع و متعددی قرار می‌دهد (انبیاء: ۳۵؛ بقره: ۱۵۵). ممکن است محکم‌ترین حل مسائل انسان‌ها را بی‌نتیجه کند تا میزان ایمان و توکل آنها را بیازماید (سیدرضی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۵۶). در مقابل، خداوند تبارک و تعالی توصیه می‌کند با بهره‌گیری از توکل و خوش‌بینی واقع‌بینانه مسائل خویش را به بهترین و متقن‌ترین شکل حل کنند و نتیجه را به خداوند بسپارند (طلاق: ۳؛ کهف: ۲۳-۲۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۲ و ج ۵، ص ۵۷).

از محدودیت‌های این پژوهش، عدم امکان بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی این آزمون در نمونه گسترده‌تر با جامعه آماری متفاوت، برای غنای ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون و سنجش عامل‌های آن در فرایند تحلیل عاملی بود.

پیشنهاد می‌شود تا تحقیقاتی پیرامون موانع حل مسئله، راهبردهای اجرایی حل مسئله و مقدمات حل مسئله با توجه به منابع اسلامی صورت گیرد، تا مهارت مهم حل مسئله برای فرایند درمان، آموزش و اجرا هرچه بیشتر تبیین شده و مورد استفاده قرار بگیرد.

منابع

نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق، محقق فیض الاسلام، قم، هجرت.

ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمیدبن هبه الله، ۱۴۰۴ق، *شرح نهج البلاغه لابن‌ابی‌الحدید*، محقق ابراهیم، محمد ابوالفضل، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.

ابن‌شعبه حرانی، حسن‌بن‌علی، ۱۳۶۳، *تحف العقول*، تصحیح علی‌غفاری، قم، جامعه مدرسین.

احمدی، بتول و همکاران، ۱۳۸۸، «تأثیر آموزش حل مسئله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان کم‌رو»، *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال نهم، ش ۳، ص ۱۹۳-۲۰۲.

احمدی، خدابخش و همکاران، ۱۳۸۳، «بررسی تأثیر حل مشکل خانوادگی بر کاهش ناسازگاری زوجین»، *روان‌شناسی*، سال هشتم، ش ۳۲، ص ۳۸۹-۴۰۳.

احمدی‌زاده، محمدجواد و همکاران، ۱۳۹۱، «اثربخشی درمان حل مسئله، مواجهه‌سازی و ترکیبی بر سازگاری جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از ضربه ناشی از جنگ»، *طب نظامی*، دوره چهاردهم، ش ۳، ص ۱۷۸-۱۸۵.

بیانی، علی‌اصغر و علی بیانی، «ویژگی‌های روان‌سنجی فرم کوتاه سیاهه حل مسئله اجتماعی SPSI, RS»، *روان‌شناسی تحولی*، سال هفتم، ش ۲۶، ص ۱۴۷-۱۵۴.

پسندیده، عباس، ۱۳۹۰، *رضایت از زندگی*، چ دهم، قم، دارالحدیث.

تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۴۱۰ق، *غررالحکم و دررالكلم*، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، دارالکتب.

ثابت، مهرداد و همکاران، ۱۳۹۰، «ساختارعاملی روایی و اعتبار مقیاس سنجش حل مسئله اجتماعی فرم بلند تجدید نظرشده»، *پژوهش اجتماعی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۱۴۳-۱۵۶.

جوادی‌آملی، عبدالله، ۱۳۸۳، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۶، *مراحل اخلاق در قرآن*، قم، تحقیق علی اسلامی، چ هفتم، قم، اسراء.

حجاری، سارا و همکاران، ۱۳۸۵، «بررسی اثربخشی گروهی حل مسئله بر میزان سازگاری زنان مبتلی به اختلال دوقطبی»، *تحقیقات علوم رفتاری*، دوره چهارم، ش ۲، ص ۵۲-۵۸.

خوشکام، زهرا و همکاران، ۱۳۸۷، «اثربخشی حل مسئله گروهی بر مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان با آسیب بینایی»، *پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، سال هشتم، ش ۲، ص ۱۴۱-۱۵۶.

دلاور، علی، ۱۳۸۴، *احتمالات و آمار کاربردی در روان‌شناسی و علوم تربیتی*، تهران، رشد.

_____، ۱۳۸۰، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران، رشد.

ذیلمی، حسن‌بن‌محمد، ۱۴۱۲ق، *إرشاد القلوب إلی الصواب*، قم، الشریف الرضی.

رسول‌زاده طباطبائی، سیدکاظم و همکاران، ۱۳۸۲، «بررسی رابطه شیوه‌های حل مسئله و سلامت روان‌شناختی»، *روان‌شناسی*، ش ۲۵، ص ۳-۱۶.

زارغان، مصطفی و همکاران، ۱۳۸۶، «رابطه هوش هیجانی سبک‌های حل مسئله و سلامت عمومی»، *روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*،

سال سیزدهم، ش ۲، ص ۱۶۶-۱۷۲.

سرمد، بازرگان، حجاری، ۱۳۸۵، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران، آگه.

- p. ۵۶۹-۵۹۱.
- Bell, A. C, & D'Zurilla, T. J, ۲۰۰۹, Problem- solving therapy for depression: A meta-analysis, *Clinical Psychology Review*, v. ۲۹, p. ۳۴۸-۳۵۳.
- Belzera, D'Zurilla, Maydeu-Olivares, Social problem solving and trait anxiety as predictors of worry in a college student population, *Personality and Individual Differences*, ۳۳, ۲۰۰۲.
- Black, Frauenknecht, ۱۹۹۵, Social Problem-Solving Inventory for Adolescents (SPSI-A): development and preliminary psychometric evaluation, *Journal of Personality Assessment*, v. ۱۲, p. ۱۴۵-۱۵۷.
- Botia, M. L, & Orozco, L. H, ۲۰۰۹, Critical Review of Problem Solving Processes Traditional Theoretical Models, *International Journal of Psychological Research*, v. ۲, N. ۱, P. ۶۷-۷۲.
- Cassidy Tony, and Clive Long, ۱۹۹۶, Problem-solving style, stress and psychological illness: Development of a multifactorial measure, *British Journal of Clinical Psychology*, Volume ۳۵, Issue ۲, pages ۲۶۵-۲۷۷.
- Cassidy, T, ۲۰۰۲, Problem solving style, achievement motivation, psychological distress and response to a simulated emergency, *Counseling Psychology Quarterly*, v. ۱۵, N. ۴, p. ۳۲۵-۳۳۲.
- Chang, E. C, & et al, ۲۰۰۴, (eds), Social problem solving: Theory, research and training, Washington, DC: American Psychological Association.
- Cook. Bryan G, ۲۰۱۲, *Classroom behavior, contexts, and interventions*, Bingley, UK: Emerald.
- D'Zurilla, & Nezu, ۲۰۱۰, problem-solving therapy, Handbook of Cognitive behavior Therapy, Dobson, Third Edition, Guilford press.
- D'Zurilla, & Thomas J, ۲۰۱۱, Alberto Maydeu-Olivares, David Gallardo-Pujol, Predicting social problem solving using personality traits, *Personality and Individual Differences*, v. ۵۰, ۱۴۲-۱۴۷.
- D'Zurilla, T. J, & et al, ۲۰۰۲, "Social Problem- Solving Inventory Revised: Technical manual", North Tonawanda, NY: Multi- Health Systems
- D'Zurilla, T. J, & Nezu, A, ۱۹۸۲, "Social problem solving in adults", *Advances in cognitive- behavioral research and therapy*, v. ۱, p. ۲۰۲-۲۷۴.
- D'Zurilla, T. J, & Nezu, A. M, ۱۹۹۹, "Problem- solving therapy: A social competence approach to clinical intervention", ۲nd ed, New York: Springer.
- Donahoe, Clyde P, & et al, ۱۹۹۰, Assessment of interpersonal problem-solving skills, *Psychiatry: Interpersonal and Biological Processes*, v. ۵۳, p. ۳۲۹-۳۳۹.
- Dreer, L. E, & et al, ۲۰۰۵, *Social problem solving, personality disorder, and substance abuse*, Chichester, UK: Wiley.
- Dugas, M. J, & et al, ۲۰۰۳, Group cognitive- behavioral therapy for generalized anxiety dis-order: Treatment outcome and long-term follow-up, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. ۷۱, p. ۸۲۱-۸۲۵.
- D'Zurilla, T. J, & Goldfried, M. R, ۱۹۷۱, Problem-solving and behavior modification, *Journal of Abnormal Psychology*, V. ۷۸, P. ۱۰۷-۱۲۶.
- Frauenknecht, M, & Black, D.R, ۲۰۰۴, Problem- solving training for children and adolescents, In E. C. Chang, T. J. D'Zurilla, & L. J. Sanna (Eds.), *Social problem solving: Theory, research, and training* (pp. ۱۵۳-۱۷۰), Washington, DC: American Psychological Association.
- شاطریان، فاطمه و همکاران، ۱۳۹۱، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی فرم تجدیدنظر شده پرسش‌نامه حل مسئله اجتماعی در میان دانشجویان رشته ریاضی»، *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، دوره دوم، ش ۸، ص ۱-۱۲.
- شریعتمداری، مهدی، ۱۳۸۸، *تحقیق و پژوهش در علوم رفتاری*، تهران، کوهرساز.
- شکوهی‌یکتا، محسن و اکرم پرند، ۱۳۸۷، «آموزش حل مسئله به مادران و تأثیر آن بر روابط خانوادگی»، *خانواده پژوهی*، سال چهارم، ش ۱۳، ص ۱۶-۵.
- صالحی، مهدیه و همکاران، ۱۳۸۸، «تعیین ساختار عاملی مقیاس سنجش حل مسئله اجتماعی فرم کوتاه تجدیدنظر شده»، *تحقیقات روان‌شناختی*، دوره اول، ش ۳، ص ۲۵-۳۹.
- طبرسی، حسن‌بن فضل، ۱۳۷۰، *مکارم الأخلاق*، ج چهارم، قم، شریف رضی.
- علیلو، مجیدمحمود و همکاران، ۱۳۸۸، «بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی (اختلالات شخصیت) و سبک‌های حل مسئله در زندانیان مجرم»، *دانشور رفتار*، سال شانزدهم، ش ۳۴، ص ۶۱-۶۹.
- قورچیان، نادر قلی، ۱۳۷۹، *جزئیات روش‌های تدریس*، تهران، اندیشه.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۰۷ق، *اصول کافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گلدفرد، ماروین آر. و جرالد سی دیویسون، ۱۳۷۱، *رفتار درمانی بالینی*، ترجمه سیداحمد احمدی علون‌آبادی، تهران، نشر دانشگاهی.
- محمدبن محمد، ابن‌اشعث، بی‌تا، *جعفریات*، تهران، مکتبه نینوی.
- محمدی، نوراله، ۱۳۸۳، «رابطه سبک‌های حل مسئله با سلامت عمومی»، *روان‌شناسی*، سال هشتم، ش ۳۲، ص ۳۲۲-۳۳۶.
- محمدی و صاحبی، ۱۳۸۰، «بررسی سبک‌های حل مسئله در بیماران افسرده و مقایسه آن با افراد نرمال»، *علوم روان‌شناختی*، ش ۱، ص ۲۴-۴۲.
- محمودی‌راد، مریم، ۱۳۸۱، «بررسی نقش آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل مسئله اجتماعی در ارتقای سطح عزت‌نفس و رابطه آن با کارکردهای هوشی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان»، *بیماری‌های کودکان ایران*، ش ۱۳، ضمیمه.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۳، *آموزش فلسفه*، ج ششم، تهران، بین‌الملل.
- معتمدی، سیده‌ادی و همکاران، ۱۳۹۱، «تأثیر آموزش مهارت‌های حل مسئله بر افزایش کفایت اجتماعی نوجوانان دختر»، *پژوهش اجتماعی*، سال چهارم، ش ۱۴، ص ۱۸-۲۹.
- مفید، محمدبن محمد، ۱۴۱۳ق، *امالی*، تحقیق استاد ولی و غفاری، بی‌جا، نشر کنگره شیخ‌مفید.
- نشاط‌دوست، حمیدظاهر و همکاران، ۱۳۸۰، «اثر بخشی آموزش روش حل مسئله در کاهش علائم کمبود توجه/بیش‌فعالی»، *تازه‌های علوم شناختی*، سال سوم، ش ۳، ص ۶۶-۵۲.
- نوری، حسین‌بن محمدتقی، ۱۴۰۸ق، *مستدرک الوسائل*، قم، آل‌البیت.
- هومن، حیدرعلی، ۱۳۸۶، *شناخت روش علمی در علوم رفتاری*، تهران، سمت.
- Allen, S. M, & et al, ۲۰۰۲, A problem solving approach to stress reduction among younger women with breast carcinoma: A randomized controlled trial, *Cancer*, v. ۹۴, p. ۳۰۸۹-۳۱۰۰.
- Baker. Sarah, ۲۰۰۳, A prospective longitudinal investigation of social problem-solving appraisals on adjustment to university, stress, health, and academic motivation and performance, *Personality and Individual Differences*, v. ۳۵,

- Nezu, C. M, & et al, ۲۰۰۵, Social problem solving correlates of sexual deviancy and aggression among adult child molesters, *Journal of Sexual Aggression*, v. ۱۱, p. ۲۷-۳۶.
- Pargament. Kenneth I, Joseph Kennell, William Hathaway, Nancy Grevengoed, Jon Newman and Wendy Jones, Religion and the Problem-Solving Process: Three Styles of Coping, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. ۲۷, No. ۱, pp. ۹۰-۱۰۴, ۱۹۸۸
- Perri, M. G, & et al, ۲۰۰۱, Relapse prevention training and problem- solving therapy in the long-term management of obesity, *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, v. ۶۹, p. ۷۲۲-۷۳۶.
- Perry, S, & et al, ۲۰۰۳, Risk of suicide ideation associated with problem-solving ability and attitudes toward suicidal behavior in university students, *Crisis*, v. ۲۴, p. ۱۶۰-۱۶۷.
- Phillips. Russell E, & et al, ۲۰۰۴, Self-Directing Religious Coping: A Deistic God, Abandoning God, or No God at All?, *Journal for the Scientific Study of Religion*, v. ۴۳, N. ۳, p. ۴۰۹-۴۱۸.
- Rath. Joseph. F, & et al, ۲۰۱۱, Clinical Applications of Problem-Solving Research in Neuropsychological Rehabilitation: addressing the Subjective Experience of Cognitive Deficits in Outpatients with Acquired Brain Injury, *Rehabilitation Psychology*, v. ۵۶, N. ۴, p. ۳۲۰-۳۲۸.
- Rodríguez Antoni, & Albert Maydeu-Olivares, ۲۰۰۰, Impulsive/careless problem solving style as predictor of subsequent academic achievement, *Personality and Individual Differences*, v. ۲۸, p. ۶۳۹-۶۴۵.
- Sadowski, C, ۱۹۹۴, Psychometric properties of the Social Problem- Solving Inventory (SPSI) with normal and emotionally disturbed adolescents, *Journal of Abnormal Child Psychology*, v. ۲۲, p. ۴۸۷-۵۰۰.
- siu Andrew, M. H, shek. and daniel T, ۲۰۰۵, Relations between social problem solving and indicators of interpersonal and family well-being among chinese adolescents in hong kong, *social indicators research*, v. ۷۱, p. ۵۱۷-۵۳۹.
- Siu, A.M.H, & Shek, D.T.L, ۲۰۱۰, "Social problem solving as a predictor of well-being in adolescents and young adults", *Social Indicators Research*, v. ۹۵, p. ۳۹۳-۴۰۶.
- Stemberg Robert, & Davidson Janet, ۲۰۰۳, *The Psychology of Problem Solving*, Cambridge University Press.
- Wakeling. Helen C, ۲۰۰۷, "The Psychometric Validation of the Social Problem-Solving Inventory-Revised with UK Incarcerated Sexual Offenders", *Sex Abuse*, v. ۱۹, N. ۳, p. ۲۱۷-۲۳۶.

- Getter, H, & Nowinski, J.K, ۱۹۸۱, A free response test of interpersonal effectiveness, *Journal of Personality Assessment*, v. ۴۵, p. ۳۰۱-۳۰۸.
- Glynn, S. M, & et al, ۲۰۰۲, Supplementing clinic-based skills training with manual-based community support sessions: Effects on social adjustment of patients with schizophrenia, *American Journal of Psychiatry*, v. ۱۵۹, p. ۸۲۹-۸۳۷.
- Graf, A, ۲۰۰۳, "A psychometric test of a German version of the SPSI-R". *Diagnostische Psychologie*, v. ۲۴, p. ۲۷۷-۲۹۱.
- Helen C. Wakeling, The Psychometric Validation of the Social Problem-Solving Inventory-Revised with UK Incarcerated Sexual Offenders, *Sex Abuse*, ۱۹, ۲۰۰۷.
- Heppner Paul, & et al, ۲۰۰۴, Problem-Solving Appraisal and Human Adjustment A Review of ۲۰ Years of Research Using the Problem Solving Inventory, *The Counseling Psychologist*, v. ۳۲, N. ۳, p. ۳۴۴-۴۲۸
- Heppner, P, & ET AL, ۱۹۹۷, Applications of the Problem Solving Inventory, *Measurement and Evaluation in Counseling and Development*, v. ۲۹, N. ۴, p. ۲۲۹-۲۴۱.
- Hollin Clive R, & Emma J. Palmer, ۲۰۰۶, Criminogenic need and women offenders: A critique of the literature, *Legal and Criminological Psychology*, v. ۱۱, p. ۱۷۹-۱۹۵.
- Lamanna & Marilyn Stern, ۲۰۱۲, A brief problem solving intervention for caregivers of children with cancer, Virginia Commonwealth University.
- Liberman, R. P, & et al, Training in social problem solving among persons with schizophrenia, *Psychiatric Services*, v. ۵۲, p. ۳۱-۳۳.
- Malouff, J. M, & et al, ۲۰۰۷, The efficacy of problem solving therapy in reducing mental and physical health problems: A meta-analysis, *Clinical Psychology Review*, v. ۲۷, p. ۴۶-۵۷.
- Maydeu- Olivares, A, & et al, ۲۰۰۰, Psychometric properties of the Spanish adaptation of the Social Problem-Solving Inventory— Revised (SPSI-R), *Personality and Individual Differences*, v. ۲۹, p. ۶۹۹-۷۰۸.
- McClure. Kelly S, & et al, ۲۰۱۰, Social problem solving and depression in couples coping with cancer, *Psycho-Oncology*, v. ۲۱, p. ۱۱-۱۹.
- McFillin, & Roger K, ۲۰۰۹, The Social Problem-solving Approach of Adolescent Females Diagnosed with an Eating Disorder: Toward a Greater Understanding of Control PCOM Psychology Dissertations.
- McMurrin mary, & et al, ۲۰۰۱, Conor Duggan and Andrew Latham Stop & Think: social problem solving therapy with personality disordered offenders, *Criminal Behavior and Mental Health*, v. ۱۱, P. ۲۷۳-۲۸۵.
- McMurrin mary, & et al, ۲۰۰۸, The role of social problem solving in improving social functioning in therapy for adults with personality disorder, *Personality and Mental Health*, v. ۲, p. ۱-۶.
- McMurrin, M, & McGuire, J, ۲۰۰۵, (Eds), Social problem solving and offending: Evidence, evaluation and evolution, Chichester, UK: Wiley.
- Meyers Frederick J, & et al, ۲۰۱۱, Effects of a Problem-Solving Intervention (COPE) on Quality of Life for Patients with Advanced Cancer on Clinical Trials and their Caregivers: Simultaneous Care Educational Intervention (SCEI) linking Palliation and Clinical Trials, *Journal of palliative medicine*, v. ۱۴, N. ۱۴, p. ۴۶۵-۴۷۳.
- Nezu, C. M, & et al, ۲۰۰۹, Problem- solving therapy for sexual offenders: A randomized clinical trial, Manuscript submitted for publication.
- Nezu. A. M, & et al, ۲۰۱۲, *Problem-Solving Therapy A Treatment Manual*, Springer.
- Nezu. A. M, ۲۰۰۴, Problem Solving and Behavior Therapy Revisited, *Behavior therapy*, v. ۳۵, p. ۱-۳۳.